

برخوردها در زمانهٔ برخورد

ابراهیم گلستان

www.ketab.ir



از ابراهیم گلستان:

آذر، ماه آخر پاییز
شکار سایه
جوی و دیوار و تشنه
مدّ و مه
خشت و آینه
اسرار گنج دره جنّی
خروس
گفته‌ها

برخوردها در زمانهٔ برخورد

مختار در روزگار

نامه به سیمین

نوشتن با دوربین

زندگی خوش کوتاه فرنیس ماکوهر

کشتی شکسته‌ها

هکلبری فین

دون ژوان در جهنم

ماتریالیسم دیالکتیکی و ماتریالیسم تاریخی

مارکس و مارکسیسم

سرشناسه: گلستان، ابراهیم، ۱۳۰۱ -
عنوان و نام پدیدآور: برخوردها در زمانه برخورد / ابراهیم گلستان.
مشخصات نشر: تهران: بازتاب نگار، ۱۴۰۰.
شابک: 978-964-8223-63-7
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
موضوع: گلستان، ابراهیم، ۱۳۰۱ - - یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره
رده‌بندی کنگره: ۸۱۹۲PIR
رده‌بندی دیویی: ۸۶۲/۸۸۸
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۵۶۳۶۷
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیفا

www.ketab.ir

◇ برخوردها در زمانه برخورد

ابراهیم گلستان
چاپ اول: ۱۴۰۰
شمارگان: ۲۲۰۰
حروف‌چینی، صفحه‌آرایی و طرح جلد: آتلیه بازتاب‌نگار
چاپ و صحافی: معرفت
حق چاپ و نشر برای ابراهیم گلستان محفوظ

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

◇ نشر بازتاب‌نگار

صندوق پستی ۱۱۷۴ / ۱۴۳۳۵
تلفن - دورنگار: ۲۲۰۲۱۰۲۰
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۲۳-۶۳-۷
Baztabnegar@hotmail.com

این کتاب از باهم آوردن دو گزارش درمی آید که من سالها پیش نوشته بودم درباره آغاز پیشامد برجسته‌یی که زمانی کوتاه پیش‌تر از آن نوشتن‌ها روی داده بود. این دو گزارش، در نگاه اول، شاید از هم جدا و به هم بی‌ربط به دیده بیایند هرچند هر دو با هم در فاصله کوتاهی بستگی دارند به همان رویداد مهم و وسیع و یگانه‌یی که شد سازنده آینده‌یی متفاوت از گذشته برای ایران و مردم ایران و همسایگانش، و برای کل وضع سیاسی و صف‌آرایی اجتماعی جهانی. این رویداد ملی‌شدن، یا درست‌تر گفته شود ملی‌کردن صنعت نفت ایران بود که از روزهای پایانی سال ۱۹۵۰ به تقویم عمومی مرسوم در دنیا، شکل‌پذیریش در صحن خود کشور ایران بود و نیروی اجرایش از هماهنگی بی‌سابقه‌یی که انگار یکی‌شدن خواست مردم ایران بود. هرچند که در این اندکی شک وجود دارد که واقعا و کاملاً و منحصرأ چنین بوده باشد. ولی چنین یکی‌بودن خواست و اندیشه یک ملت عملاً و شدیداً پیدا شده بود و بسیار اثرگذار، و به‌نوعی ماندگار هم شده بود و جا گرفته بود در جمع‌کوشش برای برقراری نظام جهانی دیگری.

اجرای این هماهنگی که حاصل اقتضای جهانی بود در همان نیمه دوم قرن بیستم شتاب و قدرت گرفت چندان که سبب حادثه‌ها و قرارهای کم‌پای تازه شد — و هم‌چنین پایه رشد هوش‌ها و خردها، و پیشرفت‌ها و کارائی‌ها و ناکامی‌ها و قرارها، و کج‌روی‌های فردی و گروهی و اجتماعی تاریخ‌ساز — که به پیش‌کشاند و بنیان و بهره‌های نو داد و آفت‌ها و آسیب‌هایی را سبب شد که نتوانستند و نمی‌توانستند یک‌سان و بی‌تغییر بمانند — که هیچ‌چیز یک‌سان و بی‌تغییر نمی‌ماند، هیچ، جز همان نفس خود تغییر، که در حرکت رشد عمومی، و از حرکت عمومی در زمان و زمانه رشد شرایط، و از رشد توان درک انسانی شرایط پیش می‌آید — و ناچار دیر یا زود پیش می‌آید در تاریخ، که حکایت‌گذار و یاد‌گذشتن زمانه است و جامعه‌ها که حاصل همان خود شکل‌پذیری و تغییر است و پویاست، و گرداننده فکر و

رفتارهاست در کار رشد و تحول و تجربه‌اندوزی مایه‌ها و جنبش‌ها و شکل‌ها، و صورت‌پذیری و پیکره‌گیری اندیشه. و برداشت‌های پیوسته جنبنده، رونده، که گاه به‌آهستگی خزنده‌اند و گاه به میان جهنده.

و بایستی شناخت حرکت را، هر حرکت را، و جهت حرکت را و جنبندگی حرکت را. بایستی دریافت و شناخت زدن نبض و رفتار و رهروی این جنبش را. و باید دانست که سرعت رونده‌بودنش تفاوت دارد با ضرب‌آهنگ و تندی کوبنده‌بودن نبض و گردش اندیشه و جنبش کردار فردی آدم، و با خود آدم که عادت ندارد به درک هوشمندانه، یا حتی شناخت عمومی و لزوم همان درک هوشمندانه، به میزان و مقدار سرعت چنان درک، و مقدار قدرت شکیبایی و بردباری در طی طول مدتی که لازم است برای تراکم و تکمیل همان شناسائی. و چنین است که آن راه‌ناگهانی و بی‌مقدمه می‌انگارد که انگار نوعی برق‌زدن بوده باشد یا جهش جرقه‌یی یا آذر خشی، یا جستن و کشفی تصادفی. و چنین است که گاه آن را الهام و وحی می‌پندارند و می‌شمارد، و در چنین خبط و خطا در بخشیدن نام و نام‌گذاری و ندانستن مایه و پایه اصرار می‌ورزد و از همین است که می‌افتد به سهو و گمراهی‌های دیگر، و در آن‌ها می‌افتد به گمراهی از آن‌ها می‌رسد به خطاها و خبط‌های تازه و خبط و خطاهای تازه می‌کند. و چه بسیار این چنین اصرار ورزیده است و گمراه رفته است و به گمراهی عمر گذرانده است و دیگران را در چنین غفلت مُصرّانه با خود کشانده است و برده است.

و از چنین سرگذشت‌هاست که باید نتیجه بردارد. که گاه برمی‌دارد — گاهی به سود و گاه از غفلت به ضرر.

و این است و چنین بوده است راه و راز حرکت سیر پیشرفت آدمی، پیشرفت و تعالی تمدن انسان.